

4334

۱
۱
۴۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَٰلُفٍ عَمِيمٍ
(سورة مبارکه عنکبوت، آیه ۶۹)

این اردوهای جهادی هم تمرین است، هم خدمت است،
هم خودسازی است و هم آشنایی با فضای جامعه است؛
خیلی چیز باارزشی است.
روز به روز اینها را بتوانید توسعه دهید؛ جهاد هم هست،
واقعا جهاد است، کار است، جهاد است، تلاش است،
خدمت به محرومین است...

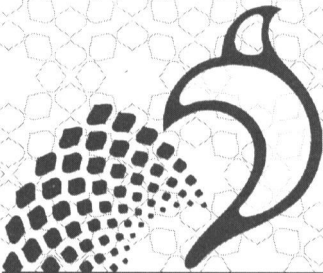
مقام معظم رهبری (مدظله العالی)
۱۳۹۵/۴/۱۲



جهاد رکوبه شیرین و خاطر تلخ

خاطرات تلخ و شیرین جهاد در
سراسر کشور از اردوهای جهاد

مرکز مطالعات و هدایت حرکت‌های جهادی



رکوحه پس کوچه های جهاد

عنوان و ناشر: رکوحه پس کوچه های جهاد: خاطرات تلخ و شیرین جهادگران سراسر کشور از اردوهای جهادی/مرکز مطالعات و هدایت حرکت های جهادی؛ ویراستار فریبا محمدکریبی. | **موضوع:** تاریخ، شهید کاظمی، ۱۳۹۷ | **مشخصات ظاهری:** ۴۱۶ ص:، مصور: ۱۴×۵/۲۱، ۴ ص. | **شابک:** ۲۵۰۰۰۰ ریال: ۶۱-۷-۸۸۵۷-۹۷۸-۶۰۰ | **وضعیت فهرست نویسی:** فیبا | **عنوان دیگر:** خاطرات تلخ و شیرین جهادگران سراسر کشور از اردوهای جهادی. | **موضوع:** دانشجویان -- ایران -- خاطرات، | **موضوع:** Diaries. College students -- Iran -- | **موضوع:** مناطق محروم، | **موضوع:** Deprived areas -- Iran -- | **شناسه:** ۵: وسایع اسناداران انقلاب اسلامی، سازمان بسیج سازندگی، مرکز مطالعات راهبردی و... | **ردیف بندی کنگره:** ۱۳۹۷/۵۴/۱۳۶۰ LB | **رده بندی دیویی:** ۳۷۸/۵

به کوشش: مرکز مطالعات و هدایت حرکت های جهادی
نوبت چاپ: اول / پاییز ۱۳۹۷ **نشر:** شهید کاظمی
ویراستار: فریبا محمدکریبی **شمارگان:** ۱۰۰۰ نسخه
آماده سازی: مؤسسه شهید کاظمی **شابک:** ۶۱-۷-۸۸۵۷-۹۷۸-۶۰۰
مدیریت هنری: گروه هنری هشت پر/علی سلمان زاده | **قیمت:** ۳۰۰۰ تومان

عضویت در باشگاه معلمان

دفتر مرکزی نشر و پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه اول، فروشگاه ۱۳۱ شماره تماس: ۰۲۵-۳۷۸۴۰۸۴۴-۶
www.manvaketab.ir سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۱۴۱۴۴۱



i.instagram.com/nashre_shahidkazemi



telegram.me/nashreshahidkazemi



@JAHADGARAN

۷.....	پیشگفتار.....
۱۱.....	به جای مقدمه.....
۱۱.....	۱. مسئول کردن جهادی.....
۱۲.....	۲. مسئول فرهنگی.....
۱۲.....	۳. مسئول آموزش.....
۱۳.....	۴. مسئول پشتیبانی.....
۱۴.....	۵. شهردار.....

دلیل عاشقی (فصل اول)

۳۱.....	آدم‌ها - جهادی.....	۱۹.....	هم‌سفر.....
۳۲.....	ویرترین خ.....	۲۱.....	جهادی.....
۳۳.....	باریکه‌ای لذت.....	۲۲.....	فصل سادگی.....
۳۴.....	هست‌ها و نیست‌ها!.....	۲۳.....	اینجا جهادی‌ست!.....
۳۵.....	جهادی اگر جهادی باشد.....	۲۴.....	نقطه عطف در نمودار جهادی.....
۳۶.....	آخرش با خداست.....	۲۵.....	زندگی به سبک حیات.....
۳۷.....	سواحل عاشقی.....	۲۶.....	عازم خدا.....
۳۸.....	خالص تراز مروارید.....	۲۷.....	اینجا باید همه‌اش را بشکنیم.....
۳۹.....	راه آنان.....	۲۸.....	کوله‌پشتی عادت‌ها.....
۴۰.....	جهادی.....	۲۹.....	شعوری پراز شور.....
۴۱.....	این بار هجرت.....	۳۰.....	و خدایی که در این نزدیکی‌ست.....

- آمده‌اند تا خدا را بیشتر ببینند ۴۲
- تجسم آیه «رب» ۴۳
- بازنده ۴۴
- تراشیدن خود! ۴۵
- راه بُرد ۴۶
- ایستان دوست ۴۷
- حسابت روحانی کن! ۴۸
- باهم بودن ۴۹
- کار پیامبر تو ۵۰
- رویت می‌شود؟ ۵۱
- نوده جان! ۸۱
- بهمه ثابت کرد! ۸۲
- تالیف سادگی ۸۳
- رقص کزاف! ۸۴
- روی جبهه‌ها ۸۵
- اقدام بسم ۸۶
- بهر ثانیه که جلو می‌رفت ۵۸
- خدا خواست ۵۹
- خواننده شدگان ۶۰
- اجازه دادند ۶۱
- گمشده جهادی من (۱) ۶۲
- سفره‌ای زیر آسمان ۶۳

قرار (فصل چهارم)

- الورودیه! ۹۱
- شُک (۲) ۹۲
- کاش روز اول ناهار تن ماهی داشتیم! ۹۳
- محبت خاله خرسه! ۹۴
- ضروری، مثل باتری کنترل تلویزیون! ۹۵
- نفرین من ۹۶
- انهدام نفرین ۹۷
- یک جرعه آفتابه! ۹۸
- نخبگان غیر تهرانیزه ۹۹
- ما! ۶۷
- جهادِ مرفهین بادرد ۶۸
- اردو صاحب دارد ۶۹
- معضلات یک لامپ ۷۰

قدم در راه (فصل سوم)

- ۱۳۱..... منو با امداد غیبی!
 ۱۳۲..... معمای انیشتین
 ۱۳۳..... المطبخ الجهادی!
 ۱۳۴..... من باب مظلومیت خواهران
 ۱۳۶..... غذای شب عید
 ۱۳۷..... مأکولات فراموش نشدنی
 ۱۳۸..... پهلووون!
 ۱۳۹..... دهان شورهای غذا
 ۱۴۰..... مردم آزاری به سبک جهادی
 ۱۴۱..... سوسول ها
 ۱۴۲..... اسراف ممنوع!
 ۱۴۳..... خودشکنی
 ۱۴۴..... سفره های ساده
 ۱۴۵..... نارسایی
 ۱۴۶..... مستجاب الدعوه
 ۱۴۷..... چوب تدارکات صدا نداره!
 ۱۴۸..... سوزش به یادماندنی
 ۱۴۹..... اندر کتب لامب ۲۰۰!
 ۱۵۰..... فرشته با...
 ۱۵۱..... کمای شبانه!
 ۱۵۲..... معمای مشکوک هولم!
 ۱۵۳..... انَّ العمرانیون هم الغالبون
 ۱۵۴..... ما سه نفر! (۱)
 ۱۵۵..... ما سه نفر! (۲)
 ۱۵۷..... ما سه نفر! (۳)
 ۱۵۹..... هیبت عجیب!
 ۱۶۰..... به شیرینی غسل
 ۱۶۱..... خودکشی دسته جمعی
- ۱۰۰..... منم مجنون آن لایلا
 ۱۰۱..... اکران روی سقف
 ۱۰۲..... مالوله ایم!
 ۱۰۳..... عضوی از خودمان
 ۱۰۴..... سوبک به سبک الگانس
 ۱۰۵..... احوالات تیرموس
 ۱۰۷..... شکنجه گراردو!
 ۱۰۸..... در من...
 ۱۰۹..... خواب آلو!
 ۱۱۰..... عهدی در صبح...
 ۱۱۱..... خواب
 ۱۱۲..... شبیه آن روز
 ۱۱۴..... باد بود، باران نبود
 ۱۱۵..... بزغالۀ سرگردان
 ۱۱۶..... سال های دور از خانه
 ۱۱۷..... خشک کن دستی
 ۱۱۸..... گنجی به نام رنج
 ۱۱۹..... فقط برای حیات
 ۱۲۰..... حمام یا شکافت هسته ای
 ۱۲۱..... رؤیای بی ربایی
 ۱۲۲..... صفات مخصوصۀ آشپزباشی!
 ۱۲۳..... جهاد در مطبخ (۱)
 ۱۲۴..... جهاد در مطبخ (۲)
 ۱۲۵..... اخلاص جهادی
 ۱۲۶..... جهاد در مطبخ (۳)
 ۱۲۷..... جهاد در مطبخ (۴)
 ۱۲۸..... چایی با طعم جوراب
 ۱۳۰..... شام جهادی

معلم سواد	۱۹۴
آنها هم پشت من	۱۹۵
خانم! ما دیروز	۱۹۶
گران قیمت ترین هدیه عمرم	۱۹۷
می شود سوخت و نسوخت!	۱۹۸
فرستی برای عاشقی (۱)	۱۹۹
فرستی برای عاشقی (۲)	۲۰۰
رو به روی چشم های آقا رضا سفر دوم	۲۰۱
پَر قو	۲۰۲
به بلندای همت	۲۰۳
دور از تکلف	۲۰۴
ریای بی ریایی	۲۰۵
هوا را واقعی!	۲۰۶
بازی	۲۰۷
رخم کن!	۲۰۸
دنیا و آدم هایش را حلال کن	۲۰۹
شهر پیامبر	۲۱۰
ابراهیم	۲۱۱
باید بزرگ شوند!	۲۱۲
سؤالی برای تأمل	۲۱۳
سیل آمد، ما رفتیم!	۲۱۴
گمشده جهادی من (۲)	۲۱۵
دعوت نامه های او	۲۱۷
باران عبرت	۲۱۸
قرار	۲۲۲
هدیه ای از زلال	۲۲۳
ایمان چه کند؟	۲۲۴
گنده لات	۲۲۵

و باز هم شرمندگی	۱۶۲
میهمان نوازی خدا	۱۶۴
وادیسون می گرید!	۱۶۵
مداد به سبک دیواری	۱۶۶

ما خواندند (فصل پنجم)

بهبان ها را شمار	۱۷۱
فاصله ای نبود	۱۷۲
من مادر نیستم	۱۷۳
به همین سادگی	۱۷۵
سربندها می شرایند	۱۷۶
سلام بر کبرها	۱۷۷
بوی یاس	۱۷۸
حکماً باید بخوابند!	۱۸۰
بله گفتن!	۱۸۱
منفی	۱۸۲
یک ونیم = نیم!	۱۸۳
باری بردوش دیگران	۱۸۴
به یاد چشم هایش (۱)	۱۸۵
به یاد چشم هایش (۲)	۱۸۶
به یاد چشم هایش (۳)	۱۸۷
به یاد چشم هایش (۴)	۱۸۸
به یاد چشم هایش (۵)	۱۸۹
حلال - حرام	۱۹۰
کلاس بعدی	۱۹۱
مسئول بسیج	۱۹۲
خانم اجازه؟!	۱۹۳

آن دو نفر	۲۶۰
پنجره‌ای روبه دریا	۲۶۱
بی‌کم‌وکاست	۲۶۳
یقین به حضورش	۲۶۴
امام‌زاده‌ای بی سند!	۲۶۵
جهادی، جای کوچک‌شدن برای	
بزرگ‌شدن!	۲۶۷
معلق	۲۶۹
نزدیک‌تر می‌شدند به آسمان	۲۷۱
چیزهایی که باید یاد گرفت	۲۷۲
تمام شد	۲۷۳
غنیمتی از معطلی	۲۷۴
کائنات ذی‌شعور!	۲۷۵
مراه جهادی	۲۷۶
صلبان زمین	۲۷۷
قوت زانوهایم	۲۷۸
یک روز نفس‌گیر	۲۷۹
شیلنگ	۲۸۰
حاجی در	۲۸۱
سی‌وسه‌پل!	۲۸۲

و این مردمان (فصل هفتم)

اندر احوالات جابجایی‌های پشت	
وانتی	۲۸۱
گم‌گشته	۲۸۸
هر چه داریم از همین ذکرهاست!	۲۸۹
شوک (۱)	۲۹۰

همتی به بلندای بشر	۲۲۶
دستان شاهدش	۲۲۹
نامه به خدا	۲۳۰
بوکس برای ظهور!	۲۳۱
کریم من صوری فر	۲۳۲
مهرهای بومی!	۲۳۳
برادر شیرینی	۲۳۴
بی‌های سمنند لایب‌بافی	۲۳۵
شهره‌ای ایوان	۲۳۶
قبله کدوم سمت!	۲۳۷
شعرو رود	۲۳۸
خانم اجازه؟! (۲)	۲۳۹
اسم معلم تون چیه؟	۲۴۰
هیسس!!!! خانوم خوابه	۲۴۱
قورباغه‌ها هم عقل و شعور دارند!	۲۴۲
صلوات محکم	۲۴۵
قانون نانوشته خاله‌ها!	۲۴۶
جو گرفتگی!	۲۴۷
آب‌فشانی	۲۴۸
حبل‌الورید	۲۴۹
حاج خانم اسکلث!	۲۵۰
زیبای خوفناک	۲۵۱
خاله‌ای به نام پدر	۲۵۲
من بزرگ من	۲۵۳

دست‌هایی برزانو (فصل ششم)

این خاصیت اینجاست	۲۵۹
-------------------------	-----

فراموش‌شدگان	۳۲۰	فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ	۲۹۱
اینجا صفا هست	۳۲۱	سبحانک انی کنت من الظالمین	۲۹۲
اینجا جایی ست که	۳۲۲	ماشین پرسی	۲۹۳
۳ سال درراه!	۳۲۴	شیئی به نام اگزوز	۲۹۴
آمبولانس محروم!	۳۲۵	مدیریت بحران	۲۹۵

مهمانی دنیا (فصل هشتم)

عمر خلیفه‌الله	۳۲۹	گره‌خوردگان	۲۹۷
تنهایی	۳۳۰	ما کذب فؤاد ما	۲۹۸
داغ دل یا زخم جان (۲)	۳۳۱	سلام بر کپرها	۳۰۰
کاروان دلبر	۳۳۳	صحنه‌های درد ز به‌روم هست	۳۰۱
عدی آسمان	۳۳۴	ان مع العسریسری	۳۰۲
ددا	۳۳۵	فرج ما یا شما!	۳۰۳
دشمن او	۳۳۶	کاش این‌ها قصه بود	۳۰۴
ارزو	۳۳۷	الفبای زندگی	۳۰۵
اثر از اوست (۱)	۳۳۸	برف	۳۰۶
اثر از اوست (۱)	۳۳۹	جوشیدن درخت بید	۳۰۷
کعبه آمال	۳۴۰	از فرش تا عرش	۳۰۸
تحویل سال	۳۴۱	دشت گل	۳۰۹
رفیقی بنام توفیق	۳۴۳	بچه‌های آنجا	۳۱۰
فیروزه‌ای از آسمان	۳۴۴	به یاد زهک‌لوت	۳۱۱
همیشه وقت عاشقی است	۳۴۵	ویرانه‌های صمیمی	۳۱۲
قاب شرمندگی	۳۴۶	داغ دل یا زخم جان (۲)	۳۱۳
زالال زلال	۳۴۷	استجاب در همین نزدیکی	۳۱۴
خدای کریم	۳۴۸	تفریحی به سادگی نیاز!	۳۱۵
زائر بهشت	۳۴۹	مشکل دقیقاً همین جاست	۳۱۶
بلاکش	۳۵۰	هزارویک شب	۳۱۷
		جایی در دوردست	۳۱۸
		پابرهنه	۳۱۹

ما همه اندر خم یک کوچه ایم..... ۳۸۰	آن هایی که می شناختند..... ۳۵۱
شاید کم نباشد..... ۳۸۱	چشم های مستجاب..... ۳۵۲
هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ..... ۳۸۲	وسيله ساز..... ۳۵۳
برق چشم هایش..... ۳۸۳	بزرگ منش..... ۳۵۴
زنگ آخر: من آمدم و رفتم..... ۳۸۴	به رسد مسلمانی..... ۳۵۵
روبه روی چشم های آقارضا..... ۳۸۵	آب ادب..... ۳۵۶
الوداع..... ۳۸۶	ره آورد جهادی..... ۳۵۷
حرکت به وقت گرینویچ!..... ۳۸۷	۱۶ سالگی شهید..... ۳۵۸
خوردن یا نخوردن، مسئله این است!..... ۳۸۸	سعی ستودنی..... ۳۵۹
قدر بدان..... ۳۸۹	مرد کوچک..... ۳۶۰
خدا حافظی..... ۳۹۰	کوه اراده..... ۳۶۱
پلیس ۱۱۰..... ۳۹۱	فقیر غنی..... ۳۶۲
یادش به خیر..... ۳۹۲	شیعه یعنی..... ۳۶۱
	ملاعلی..... ۳۶۴

برایت می نویسند (فصل دهم)

نامه..... ۳۹۷
الف..... ۳۹۸
سین. الف..... ۳۹۹
عین. ب..... ۴۰۰
عین. ب..... ۴۰۱
ع. با..... ۴۰۲

یک جرعه جهادی (فصل یازدهم) ۴۰۵

تأثیر بر تمام ذهنم..... ۳۶۳
ولایت پذیری تا پای مرگ..... ۳۶۶
قضاوت..... ۳۶۷

فصلی به نام بازگشت (فصل نهم)

آیا می شود؟..... ۳۷۳
بی نهایت..... ۳۷۴
بازهم جا گذاشته ام!..... ۳۷۵
چنگ روزهای بی دردی ام..... ۳۷۶
وصال..... ۳۷۷
کاشکی..... ۳۷۸
یادش گرامی و راهش پُر رهرو..... ۳۷۹

پیشگفتار

کاغذ و قلم دست‌گیر تمام تهِ «پیش‌گفتار» کتابی را بنویسم که کلمه‌کلمه‌اش را زیسته‌ایم. کتابی که صفحه‌صفحه‌اش خاداست و لحظه‌لحظه‌اش کلاس درس. نوشتن در صدر خاطراتی که زندگی شدند، کار راحتی نیست؛ اما ناگزیرم و خوشحال از رسیدن این لحظه و دستن این توفیق.

مسیر را مرور می‌کنم: من، آشنایی با اردوهای بهمان. سختی‌ها، شادی‌ها، لذت‌ها، و... تا می‌رسم اول خط این کتاب؛ جایی که بین نتیجه می‌رسم که این خاطره‌ها مخصوص ما نیست. چرا هیچ‌وقت برای غیرجهادی‌ها بازگو نکردیمشان، چرا دیگران در خاطرات ما سهیم نشوند ربا «جهاد» آشنا نباشند. مگر نه اینکه جهاد، عرصه‌های گوناگون دارد و امروز جهادی یکی از مظاهر جهاد محسوب می‌شود.

«درست است! خاطره‌های جهادی بستر خوبی‌ست برای معرفی این عرصه.» به اینجا که رسیدم، با چند نفر از دوستانم مشورت کردم. وقتی تصمیممان قطعی شد، بین خاطراتمان گشتیم، نوشتیم و به خاطره‌های خوبی رسیدیم. هم تلخ بود، هم شیرین؛ اما تلخ و شیرینش درس داشت. در

ثانیه ثانیه‌اش قد کشیده و بزرگ شده بودیم. خاطرات جمع می‌شدند و بعد از بازنویسی مختصری در صفحات مجازی منتشر می‌شدند تا همه بتوانند طعم این لذت را بچشند.

انتشار خاطرات در این صفحات هم‌زمان شد با آشنایی‌ام با «هسته» تیمندسازی حرکت‌های جهادی». خبر انتشار خاطرات به گوش آنها هم رسیده بود. از شروع کار پرسیدند و افرادی که همکاری می‌کنند؛ حتی برنامه‌ای که برای آینده کارمان داشتیم. برنامه‌مان ادامه همین روند بود، چون براتش را دیدیم و سؤال و جواب‌های هرروزه مخاطبانمان ما را به وجد آورده بود. به سیرمان یقین کرده بودیم. تشویقمان کردند و پشتیبانی برای ادامه مسیر. و «رنج» کردند «نمی‌خواهید خاطرات را در قالب کتاب چاپ کنید؟» دروغ چرا، تا آن روز به کتاب شدنش فکر نکرده بودیم. روش خوبی بود. علاوه بر انتشار، خاطرات ثبت می‌شده قابل انتقال به همگان بود؛ ضمناً محدوده خاطرات از جمع ما به جمع جهادگران سراسر کشور وسعت پیدا می‌کرد.

استقبال کردم و شروع به برنامه‌ریزی کردیم اما «نبار، جدی‌تر و با رویکرد جدیدتری. وبلاگ‌ها، سایت‌ها، خروجی مسابقات، نمایش‌ها، حتی دست‌نوشته‌های بچه‌های جهادی را کاویدیم. نزدیک ۱۰۰۰ ناطره انتخاب شدند. مرحله بعد گزینش، بازبینی و بازنویسی خاطرات بود و مرحله آخر دسته‌بندی خاطرات. که به فضل خدا در طی سه سال گذشته انجام شد، و هم‌اکنون در قالب کتاب «در کوچه پس‌کوچه‌های جهاد» تقدیم حضور شد. خوانندگان عزیز می‌شود.

همان‌طور که عرض شد خاطراتی که در سراسر این کتاب می‌بینید، خاطرات جهادگرانی‌ست که در قالب‌های مختلف به رشته تحریر درآمده بوده. ما فقط خاطرات را جمع‌آوری و بازنویسی مختصری کردیم تا قابلیت چاپ در

یک کتاب را داشته باشند. و البته مُصر بودیم که تا جای ممکن، تمام ابعاد جهادی را به نمایش بگذاریم و از خاطره‌ای نگذریم. لذا، اگر مشاهده می‌کنید که وزن خاطره‌ها در تمامی فصول یکسان نیست، داشته‌های ما و اصرارمان بر اینکه کتاب حاصل جمع‌آوری خاطرات جهادگران باشد و خودمان چیزی بر آن نیفزاییم، بوده که این محدودیت را بر کتاب تحمیل کرده.

خاطرات منتخب در ۱۱ فصل با نام‌های «دلیل عاشقی»، «فصل آشنایی»، «قدم در...»، «قرا...»، «با ما خواندند»، «دست‌هایی برزانو»، «و این مردمان»، «مهم‌ی دنیا...» تنظیم شدند که دربردارنده متن‌های ادبی معرفی جهادی. عریف روحيات جهادگران، خاطراتی از کلاس‌ها و فضای داخلی اردو، ارتباط با مردم، انعکاس مشکلات مردم روستا، نامه‌های دانش‌آموزان برای مربیان و... است.

پیشنهاد می‌کنیم برای مطالعه، صبور باشید و تا انتهای کتاب. در این صورت تضمین می‌کنیم کسی که کتاب را شروع می‌کند، کنار نمی‌گذاردش، مگر اینکه دلش در خاطره‌ای از خاطرات کتب لرزد باشد.

و امید داریم که بعد از انتشار جلد اول این کتاب با دریافت خاطرات جدید شما جهادگران عزیز، چاپ‌های جدید و کامل‌تری از کتاب خاطرات جهادی را داشته باشیم.^۱

در نهایت لازم می‌دانم تشکر کنم از دبیران «هسته توانمندسازی حرکت‌های جهادی»^۲، آقایان «صادق مفرد» و «یاسر حسین بیک» که اگر نبود حمایت و پشتیبانی‌شان، بی‌شک کتاب پیش‌رو، آماده نمی‌شد. و از خانم‌ها «فاطمه

۱. برای ارسال خاطرات خود از اردوهای جهادی، با «info@jahadgaran.org» ارتباط بگیرید.

۲. لازم به توضیح است در طی این چند سالی که فرآیند جمع‌آوری خاطرات و تولید کتاب به طول انجامید، «هسته توانمندسازی حرکت‌های جهادی» هم دست‌خوش تغییر و تحولات مثبتی قرار گرفت و رشد کرد. و هم‌اکنون همان فعالیت‌ها با جمعی بزرگ‌تر در «مرکز مطالعات و هدایت حرکت‌های جهادی» انجام وظیفه می‌کنند.

نصیری» و «مریم فضلعلی» و به‌خاطر زحمت بازنویسی خاطرات که به عهده داشتند؛ از سرکارخانم «فاطمه تیموری» که عنوان کتاب را مدیون پیشنهاد ایشان هستیم؛ همچنین از تمامی بزرگوارانی که نامشان در انتهای هر خاطره ذکر شده، به‌ویژه سرکارخانم «ریحانه علامه فلسفی» که خاطراتشان مستقلاً مدتی کتاب‌شدن بود، اما حاصل قلمشان را در طبق اخلاص گذاشتند و در قالب همین مجموعه، پیشکش جهادگران سراسر کشور کردند.

به امید گسترش عدل جهانی و پیروزی نهایی مستضعفین

فریبا محمدکریمی

مردادماه ۹۷